



گفت و گو با پوریا عباپور، نوجوان نخبه‌ی اهری

آرزو دارم حمایت شوم، همین!

مصیبت‌ها و بلایای طبیعی با تمام اندوه و غمی که در دل‌شان نهفته است، گاه موهبت‌ها و نعمت‌هایی هم به همراه دارد و روزنه‌ها و دریچه‌های روشنی را رو به زندگی افراد باز می‌کند. در یک بلای طبیعی به موازات این که آدم‌هایی آسیب دیدند و جان‌شان را از دست دادند، پسر نوجوان ۱۷ ساله‌ای به یک اختراع بزرگ دست پیدا کرد. پوریا عباپور از شهرستان اهر، استان آذربایجان شرقی، موفق شد تا اختراع «بخیه‌ی فوری» را به نام خودش به ثبت برساند.

که طرح را روی کسی امتحان نکنیم نمی‌توانیم این طرح را در داوری شرکت بدهیم. هیچ‌کس حاضر نبود که طرحم را روی او آزمایش کنم. همه‌شان می‌ترسیدند. به خاطر همین خودم دستم را به طول ۶-۷ سانت و عمق ۵،۵ میلی‌متر بریدم و بخیه را روی خودم امتحان کردم. نتیجه موفقیت‌آمیز بود.» می‌پرسم: «چطور توانستی دست خودت را بری؟ نترسیدی؟» مکث کوتاهی می‌کند و می‌گوید: «خب! طرحم برایم مهم‌تر بود و مطمئن بودم چیزی که اختراع کرده‌ام هیچ مشکلی ندارد. جای بخیه‌ام هم نمانده است.»

● بعد از این؟

پوریا عباپور ۱۷ ساله تا به حال موفق شده مقام سوم کشوری در جشنواره‌ی خوارزمی و مقام دوم اولین جشنواره‌ی سراسری اختراعات و ابداعات دانشگاه آزاد اسلامی اهر را از آن خود کند. او نه تنها در زمینه‌ی پزشکی، اختراعات و موفقیت‌های زیادی به دست آورده، بلکه در ورزش شطرنج هم چند مقام در سطح شهرستان به دست آورده است. به پوریا می‌گوییم: «از امکاناتی که در اختیار داری راضی هستی؟» می‌گوید: «نه اصلاً! من مطالعات اولیه‌ی طرحم را از طریق اینترنت انجام می‌دادم. حتی سرعت اینترنت شهرم هم خیلی پایین بود، اما حالا با حمایت‌ها و تشویق‌های پدرم بالاترین سرعت اینترنت را دارم. هیچ‌کس همچنین سرعتی در شهرمان ندارد. پدرم بارها و بارها به خاطر من به تبریز می‌رفت و وسایل لازم برای کارم را سفارش می‌داد تا از تهران بخرند و برایم بیاورند. اگر کمک‌های پدرم نبود، نمی‌توانستم این کارها را انجام بدهم. چون استاد‌های شهرم هم اطلاعات زیادی در زمینه‌ی طرحم نداشتند، اگر هم چنین استادهایی بودند، من نمی‌شناختم.» و درباره‌ی پیشنهاد چند کشور درباره‌ی خرید طرح‌اش می‌گوید: «مقاله‌ام را به دو سه کشور فرستادم و دوتا کشور پیشنهاد خرید طرحم را دادند. اما فروختم.» با تعجب می‌پرسم: «چرا؟ از پول بدت می‌آید؟» می‌گوید: «از پول بدم نمی‌آید، اما وقتی این طرح مال یک ایرانی است و وقتی در کشور خودمان امکان تولید آن وجود دارد، چرا در یک کشور دیگر تولید و به نام آن‌ها ثبت شود؟»

پوریا درباره‌ی طرح بعدی‌اش می‌گوید: «طرح بعدی‌ام هم در زمینه‌ی پزشکی است، اما خیلی قوی‌تر و پیشرفته‌تر از این طرح است. این دستگاه با از بین بردن لخته‌ی خونی، مانع از سکت کردن فرد می‌شود.» او می‌خواهد یک پزشک و محقق موفق شود و بزرگ‌ترین آرزوی این است که حمایت شود و هزینه‌ی اولیه برای تولیدات داخلی داشته باشد تا خودش همراه پدرش بخیه‌های فوری را تولید کنند. او می‌گوید: «شرکت‌های داروسازی زیادی به من پیشنهاد همکاری داده‌اند. اما خیلی بی‌انصافانه. چون همه‌شان می‌خواهند با پول کمی طرحم را بخرند و بعد کنار بروم. اما من حاضر نیستم طرحم را به کسی بفروشم.»



به ذهنم رسید. مثلاً اولش نخ روی چسب دوخته شده بود و برای بخیه زدن نیاز بود که یک نفر دیگر نخ‌ها را گره بزند که این سرعت کار را پایین می‌آورد. بعد به ذهنم رسید که طوری طراحی کنم که شخص بدون نیاز به کسی بخیه بزند و طی مراحل مختلف، طرحم را تکمیل کردم.» پوریا در پاسخ به این سوال که «چطور مطمئن شدی اختراع کامل شده و هیچ اشکالی ندارد» می‌گوید: «وقتی طرحم را در جشنواره‌ی خوارزمی شرکت دادم، آن‌ها گفتند تا وقتی

● از کجا شروع شد؟

خودش می‌گوید همه‌چیز از زلزله شروع شد، زلزله‌ای که در آذربایجان رخ داد و صدها نفر کشته یا زخمی شدند. زلزله همه‌چیز را ویران کرده بود و چون تعداد آسیب‌دیدگان بالا و امکانات شهرستان کم بود، مجبور بودند آسیب‌دیدگان را از اهر به تبریز منتقل کنند. اما بیمارستان‌های تبریز هم پر بودند و به خاطر همین، خیلی از آسیب‌دیدگان به خاطر دیر رسیدن و خونریزی شدید جان‌شان را از دست می‌دادند.

پوریا به خاطر رشته‌ی درسی (تجربی) و تشویق‌های پدرش، مدت‌ها پیش از وقوع زلزله، به‌طور داوطلب در دوره‌های امداد و نجات و کمک‌های اولیه‌ی هلال‌احمر شرکت کرده بود و با این اصول آشنایی کافی داشت. او می‌گوید: «راستش پدرم مرا به این دوره‌ها فرستاد. در زلزله‌ی منجیل که سال‌ها پیش اتفاق افتاد، پدرم یک سرباز بود و با اصول امداد و نجات آشنایی کامل داشت. پدرم همیشه می‌گفت این دوره‌ها به دردش خورده است و به خاطر رشته‌ی درسی‌ام به من اصرار داشت که در این دوره‌ها شرکت کنم.» به همین دلیل بعد از وقوع زلزله، به‌طور داوطلب و به عنوان نیروی کمکی در بیمارستان باقرالعلوم اهر حضور پیدا می‌کند و با دیدن آسیب‌دیدگان آرزو می‌کند که کاش می‌توانست کاری کند تا در کم‌ترین زمان و به بهترین شکل جلوی خونریزی افراد را بگیرد. «وقتی بیماراران را به‌خاطر آسیب‌دیدگی‌های جزئی یا عمیق به تبریز منتقل می‌کردند، مدام با خودم فکر می‌کردم چه‌طور می‌شود از کم‌ترین زمان بهترین استفاده را کرد و جان بسیاری از افراد را نجات داد. این بود که ایده‌ی «بخیه‌ی فوری» به ذهنم رسید.»

● بخیه‌ی فوری چیست؟

بخیه‌ی فوری، بخیه‌ای است برای زخم‌های سطحی که در لایه‌های بالایی پوست ایجاد شده. از بخیه‌ی فوری می‌توان در مواقع اضطراری و سخت، در همه‌ی قسمت‌های خارجی بدن استفاده کرد. این بخیه به گونه‌ای طراحی شده که همه‌ی افراد، حتی افرادی که با اقدامات پزشکی و امداد و نجات آشنایی ندارند، می‌توانند از آن استفاده کنند.

در این نوع بخیه چون نخ و سوزن به کار نمی‌رود، اول این که خطر عفونت زخم وجود ندارد، دوم این که بعد از بهبود، جای بخیه، کامل از بین می‌رود و هیچ اثری از خودش به جا نمی‌گذارد و سوم این که به هیچ‌وجه درد ندارد. از پوریا می‌پرسم: «وقت طراحی واقعا به همه‌ی این‌ها فکر کرده بودی؟» می‌گوید: «آره بابا! به همه‌ی این‌ها فکر کرده بودم. چون هدفم از طراحی این بخیه چند چیز بود. استفاده نکردن از بی‌حس‌کننده‌های دردآور، آسان کردن بخیه‌زدن در موارد اضطراری، بالا بردن سرعت عمل، بخیه‌زدن بدون نیاز به دقت و تجربه‌ی زیاد و نخ و سوزن، به جا گذاشتن اثر بخیه بعد از بهبود، درد نداشتن. داشتن اندازه‌های مختلف و ارزان بودن.» می‌گوییم: «وای! تو به همه‌ی این‌ها فکر کرده بودی!» می‌گوید: «خیلی از این نکته‌ها در روند طراحی و آزمایشات مختلف

